

فرهنگ، توسعه و جامعه‌شناسی

مقدمه:

○ مجید یونسیان
کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

جامعه‌شناسی توسعه فرهنگی در ده فصل و با مقدمه‌ای کوتاه تنظیم شده است. این کتاب با ساختاری ساده، مفاهیم و جستارهای نظری دو حوزه مهم فرهنگ و توسعه را در قالب رویکردهای جامعه‌شناختی به کار می‌گیرد تا از طریق آن به تبیین میراث علمی یکی از تاثیرگذارترین متفکران دوره معاصر ایران، دکتر علی شریعتی بپردازد؛ متفکری که آراء پیچیده و چندوجهی‌اش نه در قالب علمی معینی جای می‌گیرد و نه می‌توان پنداشته‌هایش را به شیوه‌ای همگون تبیین و تفسیر کرد. مقدمه مؤلف، خواننده را متوجه ذوق ادبی و رویکرد عمومی وی می‌کند. دو فصل اول نظری است و به ارائه تعاریفی از فرهنگ و توسعه اختصاص یافته و در هشت فصل بعدی اندیشه‌های شریعتی در قالب آن تعاریف، مورد ارزیابی و مقایسه قرار می‌گیرد.

فرهنگ و توسعه:

چنانکه اشاره شد در دو فصل آغازین نویسنده به جمع‌آوری تعاریف واژه فرهنگ (Culture) و توسعه (development) پرداخته است، بدون اینکه ارزیابی یا تعریف مورد اتکای خود را برای خواننده روشن نماید. در ادبیات ایران فرهنگ به معنای فن و روش، دانش، هنر، فرزاندگی، ادب، معرفت، علم و در مفهومی وسیع‌تر، میراث خلاقانه یک قوم و ملت، به کار رفته است.

اما در دوران جدید این مفهوم در ترکیب با مفاهیم دیگری همچون صنعت، مطبوعات، سینما، توسعه و... شکل و مفهوم جدیدی یافته است. حوزه اصلی بحث نویسنده ریشه‌یابی و بیان گستره مفهومی فرهنگ در حوزه اندیشه‌های اجتماعی است.

تعریف مفهوم فرهنگ در جامعه‌شناسی با جغرافیای رشد و توسعه این دانش مرتبط است. به همین علت واژه فرهنگ با دو تلقی و کاربرد یکسان از دو حوزه فرهنگی متفاوت وارد علم جامعه‌شناسی شده است. اول واژه کولتور در زبان فرانسه و دوم واژه کالچر از زبان انگلیسی است. گی‌روشه می‌گوید: «واژه فرهنگ از زبان فرانسه گرفته شده و به آلمانی و انگلیسی ترجمه شده است و هر بار نوعی معنای جدید به آن افزوده‌اند».

(روشه، ۱۳۶۷، ۱۱۹) در زبان فرانسه، واژه فرهنگ بار دینی داشته و به معنای پیشرفت فکری شخص یا جامعه است.

در زبان انگلیسی ادوارد تایلور فرهنگ را با گستره مفهومی وسیع‌تری مطرح نمود و آن را مجموعه‌ای از دستاوردهای مادی و معنوی بشر دانست



○ جامعه‌شناسی توسعه فرهنگی

○ فیروز راد

○ چاپخش

○ ۴۱۶، ۱۳۸۲ صفحه، ۳۱۰۰ نسخه، ۲۵۰۰ تومان



که از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد. نویسنده با انتخاب تعاریف برگزیده درباره فرهنگ به استناد تعاریف صاحب‌نظران مطرح تاریخ جامعه‌شناسی پایه‌های کلی و نسبتاً یکسان آنها را در دو دسته کلی جای می‌دهد.

۱- تعاریف کلی، یعنی تعاریف بسیار جامع که جنبه مادی و معنوی حیات انسان را دربرمی‌گیرد. ۲- تعاریف جزئی، که در آنها صرفاً به یک جنبه از حیات انسان توجه شده است. (ص ۲۸) نویسنده در نهایت با پذیرش رویکرد هرسکوتیس و ویژگیهای فرهنگ را در قالب سه گزاره دسته‌بندی می‌کند.

«فرهنگ عام و خاص است»

«فرهنگ ثابت اما متغیر است»

«فرهنگ اجباری ولی اختیاری است» (ص ۳۱)

در بسط مفهومی این سه گزاره، نقطه اتکای نویسنده در بیان، درک و پذیرش مفهوم مورد اعتناش برای بررسی میراث اندیشه‌های اجتماعی دکتر شریعتی است، مبحث دیگر این بخش که در فصل دوم توجه مسووطی به آن شده است واژه توسعه و توسعه فرهنگی است. نویسنده، توسعه را فرآیند ارتقاء مادی و معنوی جامعه در راستای اهداف و مقاصد مطلوب می‌داند که زمینه‌های مناسب برای تعالی همه جانبه انسانها را فراهم می‌سازد. (ص ۵۳) در این برداشت توسعه فرآیندی مستمر و همیشگی، چندبعدی و ابزاری تلقی شده که محور آن انسان است. (ص ۵۴) توسعه‌یافتگی با بسط عقلانیت ابزاری، تحول فرهنگی و حل و فصل بحران مشروعیت مرتبط است. نویسنده توسعه را مفهومی نسبی، همراه با قضاوت ارزشی می‌داند و معتقد است نمی‌توان در هر برهه زمانی از معیارها و ملاک‌های عام توسعه سخن گفت. (ص ۵۴)

شریعتی دیدگاه‌های متداول در سنت و توسعه را

در سه دسته قرار می‌دهد.

دسته اول دیدگاه محافظه‌کاران است

که معتقدند سنت ستون محافظ جامعه است،

دیدگاه دسته دوم متعلق به انقلابیون است

که مبتنی بر نابودی همه سنتهاست

و دیدگاه سوم تکامل‌گرایان اند

که معتقدند براساس اصل تکامل سنتها

به تدریج از بین می‌روند

و اصلاح می‌شوند

اشاره‌های نویسنده در ادامه بحث به تعبیر عامی چون مفهوم عقلانیت ابزاری هابرماس، از خودبیگانگی مارکس و شخصیت‌زدایی ماکس وبر است. (صص ۵۵-۵۶) نویسنده طرح دیدگاه‌های جامعه‌شناسانی چون اگوست کنت، اسپنسر و دورکیم را نقطه اتکای خود برای طرح برخی دیدگاه‌های نظری در تبیین توسعه و ارتباط آن با فرهنگ قرار می‌دهد اما از ورود به مباحث کاربردی و تطبیقی به شکل نظری خودداری می‌کند. اسپنسر، دورکیم، ماکس وبر و حتی پارسونز، مشکل بزرگ جوامع بشری در فرآیند توسعه را فقدان تشکل اجتماعی، می‌دانستند و در بسط نظریات خود توجه جدی به این مقوله ابراز کرده‌اند. «تشکل اجتماعی یک ضرورت در فرآیند توسعه یافتگی است». (Cleland, 1975, pp. 95-122) عموماً جوامع از طریق تشخیص این موضوع به جلو حرکت کرده‌اند. دست‌یابی به تشکل اجتماعی به تحول فرهنگی نیاز دارد. از بعد روش‌شناختی نویسنده سعی کرده است به نیازهای توسعه‌یافتگی و ارتباط آن با مجموعه فرهنگ بپردازد، در حالی که این امکان وجود داشت که در کنار آن به مفاهیم دیگری که آفات اصلاح و تحول فرهنگی - اجتماعی برای رسیدن به توسعه است توجه نماید. شریعتی به عنوان اندیشمند اجتماعی و دینی و اصلاح‌گر به هر دو زمینه توجه داشته است.

مفاهیمی همچون تخیل‌گرایی، غیرابزاری بودن اندیشه، حاکمیت اندیشه‌های دولتی و حکومتی، توجه به هدف و بی‌توجهی به فرایندها، تفکرات سلیقه‌ای، مطلق‌گرایی و فرار از نسبییت در اندیشه اجتماعی، کنترل پدیده‌ها به جای مدیریت آنها و توجه جدی به اصل مواجهه، یعنی تنوع دید و نگرش و پذیرش گفت و گو و... از جمله مباحثی است که نشان‌دهنده توجه شریعتی به آفات اصلاح اجتماعی است.

شریعتی همان‌قدر که سعی دارد اصول و پایه‌های توسعه فرهنگی را در قالب ارزشهای دینی و فرهنگ بومی و احیای آن ارائه کند به همین میزان، آفات توسعه فرهنگی را نیز ارائه می‌کند. طرح مفاهیمی همچون از خود

شریعتی در نگاه نهایی به مذهب،

پویایی آن را امکان‌پذیر و ضروری می‌داند

و در چارچوب همین ویژگی است که

تأثیر آن در توسعه و توسعه فرهنگی را

مورد ارزیابی قرار می‌دهد

بیگانگی، بحران هویت، مذهب علیه مذهب، غرب‌گرایی، غرب‌زدگی و غرب‌پرستی و... از این زاویه قابل بررسی است.
 در مجموع نویسنده با انتخاب الگوی تحلیلی کلوکن (Klukhohen) و اشترتیک (Eshtertbek) به پنج مقوله اساسی اشاره می‌کند که در مباحث هشت‌گانه‌ی تحلیل اندیشه‌های شریعتی در توسعه فرهنگی مورد تأکید قرار می‌گیرد. این مقولات عبارت‌اند از:
 ۱ - نگرش به سرشت و ذات انسان ۲ - رابطه با طبیعت ۳ - نگرش به زمان ۴ - رابطه انسان و جامعه ۵ - مبنای فلسفه زندگی (ص ۷۷)

شریعتی و جامعه‌شناسی توسعه فرهنگی

ارزیابی و تبیین میراث علمی شریعتی در زمینه فرهنگ و توسعه کاری بس دشوار است که در متونی که تاکنون به زبان فارسی منتشر شده است به جز آثاری انگشت‌شمار آسان گرفته شده و هیچ‌گاه از توصیف، مقایسه و انطباق با نظریه‌های جامعه‌شناسی فراتر نرفته است. گرچه باید اذعان کرد که این اثر نیز بیش از آنکه تبیینی کاملاً جامعه‌شناختی و علمی باشد، نوعی نگاه دردمندانه و علمی به میراث اندیشمندی است که مشکل می‌توان از همگرایی عاطفی با آن حذر کرد.

اندیشه اجتماعی

نویسنده، اندیشه اجتماعی شریعتی را حاصل تجربه‌ای تاریخی از حوادث و اتفاقات خاص جامعه ایران در دوران جوانی و آشنایی وی با چند جریان عمده فرهنگی، علمی و سیاسی می‌داند. اول محیط دینی، خانوادگی و دلبستگی‌های شدید وی به آموزه‌های اسلامی است که پدرش در شکل‌گیری این آموزه‌ها نقش مهمی داشت. دوم قرار گرفتن در مسیر مبارزات ملی دکتر مصدق و آشنایی با مکتب فکری نهضت خدابپرستان سوسیالیست. سوم سفر به خارج و آشنایی با اندیشمندانی چون گورویچ، ماسینیون و ارتباط با رهبران جنبشهای ضداستعماری جهان همچون رهبران فکری انقلاب الجزایر و سپس ورود به عرصه فعالیت‌های روشنفکری که وی را با اندیشه‌های اصلاحی سیدجمال‌الدین اسدآبادی، شیخ محمد عبده و دیگران آشنا ساخت. اما آنچه از نگاه نویسنده بر روی شریعتی تأثیر عمیقی باقی گذاشت آشنایی وی با جنبش‌های مبارز و دانشجویی در عصر پرتلاطم دهه ۴۰ و ۵۰ هجری شمسی است. به همین علت نویسنده معتقد است که کار بزرگ شریعتی احیاء و بازسازی منابع دینی و فرهنگی است. (ص ۱۰۵) نویسنده بر این مینا زمینه اجتماعی را در شکل‌گیری تفکر شریعتی بیش از عوامل دیگر مهم تلقی می‌کند «شریعتی در روزگار چالش و کشاکش جریانات و نیروهای اجتماعی متولد شده و رشد می‌کند» (ص ۱۱۵) در حالی که شریعتی خود بیش از زمینه‌های اجتماعی به مسئولیت و تعهد مردمی و اجتماعی بها می‌دهد و می‌نویسد «انسان متعهد باید برای نان گرسنه از نان خویش چشم ببوشد برای آزادی مردم، اسارت خویش را بپذیرد و برای برخورداری محرومان، محرومیت خویش را تحمل کند» (شریعتی، ۱۳۵۶، ۵۶)

تغییرات اجتماعی

در این بخش نویسنده به تبیین نگاه شریعتی به مفهوم تغییر می‌پردازد. شریعتی بنیان ثبات و تغییر در جامعه را در نهاد انسان جست و جو می‌کند و ثبات و تغییر را در ذات آدمی می‌داند. (ص ۱۲۸)
 از همین زاویه نویسنده به بررسی مفهوم جامعه، ویژگیها و انواع آن پرداخته و معتقد است که شریعتی قائل به تغییر و تحول اجتماعی به عنوان یک واقعیت ذاتی در جامعه است که منجر به تکامل می‌شود. عوامل تغییر اجتماعی از نظر شریعتی در قالب عوامل بیرونی و درونی و



شریعتی سعی می‌کند با گزینش مفاهیم اصیل اسلام، جامعه آرمانی اسلامی را با ویژگیهای ملموس و قابل اعتنا ارائه دهد، مفاهیمی همچون امت، امامت، ایدئولوژی، عرفان و انسان کامل

شریعتی همان قدر که

سعی دارد اصول و پایه‌های توسعه فرهنگی را

در قالب ارزشهای دینی

و فرهنگ بومی و احیای آن ارائه کند

به همین میزان، آفات توسعه فرهنگی را نیز ارائه می‌کند

در این اثر به رغم تلاش موفق

در طرح و جمع‌آوری مفاهیم مرتبط با

توسعه و جامعه‌شناسی در آثار شریعتی،

از توجه به عناصر مهمی چون توسعه سیاسی

و مفاهیم مرتبط با آن غفلت شده است

روشنفکر با شناخت علمی و حسی جامعه و تاریخ
می تواند جامعه را به عنوان یک واقعیت با ابزارهای
علمی بشناسد و با کشف قوانین تاریخ و جامعه به
طرح و تدوین ایدئولوژی پردازد

۱۹۲-۱۶۱) نویسنده معتقد است که شریعتی دیدگاههای متداول در سنت و توسعه را در سه دسته قرار می دهد. دسته اول دیدگاه محافظه کاران است که معتقدند سنت ستون محافظ جامعه است. (ص ۱۸۵) دیدگاه دسته دوم متعلق به انقلابیون است که مبتنی بر نابودی همه سنتهاست و دیدگاه سوم تکامل گرایان هستند که معتقدند براساس اصل تکامل سنتها به تدریج از بین می روند و اصلاح می شوند. (ص ۱۸۵)

نویسنده بدون نقد و ارزیابی این سه دیدگاه، شیوه شریعتی را اصلاح انقلابی می داند یعنی متد خاصی که شریعتی به تأسی از حضرت محمد (ص) مطرح می سازد و آن هم برخورد اصلاحی با سنتهای رایج جامعه است. «در عصر کنونی برای روبرو شدن با ناهنجاری سنتهای کهنه و فرهنگ مرده و مذهب مسخ شده تخیل کننده عقاید اجتماعی ریشه دار در عمق جامعه باید متد اصلاحی انقلاب را به کار برد.» (شریعتی، ۱۳۶۱، ص ۱۱۵)

اما مدرنیسم مقوله دیگری است که در تبیین شریعتی از توسعه اهمیت قابل تأمل دارد. در تعریف مدرنیسم نیز شریعتی نگاه دوگانه به سنت را حفظ کرده است. نویسنده می توانست به متغیرهایی که شریعتی در تعریف مدرنیسم و ارتباط آن با سنت و توسعه توجه جدی نشان داده اشاره مبسوط تری داشته باشد. از مجموعه متغیرهایی که شریعتی در باب مدرنیسم مطرح ساخته است نویسنده تنها به تفاوت های تمدن و تجدد پرداخته است.

نویسنده با عبور سریع از این مفاهیم به بررسی توسعه از نگاه شریعتی پرداخته و می نویسد «شریعتی توسعه را معلول عوامل پیچیده مادی و معنوی می داند» (ص ۱۹۰)

این عوامل پیچیده مادی و معنوی چیست؟ نویسنده در پاسخ به این سؤال به توسعه اقتصادی، استقلال فرهنگی و موانع و تنگناهای توسعه می پردازد و در توجیه نظر خود و با مراجعه به متون شریعتی، مفاهیم مرتبط با این موضوعات را مورد بررسی قرار می دهد. مفاهیمی چون هجرت، ایدئولوژی، متدهای تحقیق علمی، آزادی بیان، باور به اصل تغییر، واقع گرایی،

تام و مسلط قابل بررسی است. وی در تغییرات اجتماعی به اصل علیت متقابل و کثرت گرایی علی توجه ویژه ای مبذول داشته است (ص ۱۳۲) نویسنده در این بخش برای نشان دادن تلقی های علمی از معرفت شریعتی به عنوان اندیشمندی واقع گرا دو نظریه عمده در زمینه تغییر اجتماعی را که رویکردهای مارکس و ماکس وبر است طرح می کند و سپس سعی می کند نگاه متفاوت شریعتی را به عنوان کسی که به سیر نوسانی تکامل معتقد است تبیین نماید. وی با بسط مفهومی واژه هایی چون نهضت و نهاد، نهضت و فرهنگ، چگونگی تبدیل نهضت به نهاد، انقلاب، بسترها و شرایط و آثار و چهره های انقلاب به یکباره خواننده را وارد عرصه توسعه فرهنگی و فرآیند تغییر اجتماعی به عنوان یکی از اصلی ترین بسترهای اجتماعی توسعه می کند بدون اینکه فرصت یابد، مستندات علمی و تاریخی این بحث را تکمیل کند.

فرهنگ و توسعه فرهنگی

شریعتی فرهنگ و جامعه را از یکدیگر تفکیک ناپذیر می داند و معتقد است «فرهنگ صفت ذاتی جامعه است.» (شریعتی، ۱۳۵۹، ۹) فرهنگ با مفاهیمی چون جامعه، تمدن، شخصیت و ایدئولوژی، عناصری اند که ارتباط و تعامل میان آنها شکل نهایی جامعه را مشخص می کند. در این بخش نویسنده، این مفاهیم را از نگاه شریعتی مورد ارزیابی قرار می دهد و با ارائه تعاریف عام از آنها وارد مقوله توسعه و ارتباط پیچیده آن با این مفاهیم عام و مفاهیم دیگری چون سنت و مدرنیسم می شود. در بحث سنت، نگرش شریعتی دوسویه است. که این به درک شریعتی از مفهوم سنت و مدرنیسم برمی گردد.

نگرش مثبت به سنت در اندیشه شریعتی، باعث بقاء و عامل چشم است در حالی که تعریف سنت به عنوان تکرار آگاهانه و یا ناآگاهانه و اطاعت از شیوه عملی که به دلیل تکرار و مداومت از نسلی به نسلی دیگر منتقل می شود، مانع توسعه تلقی می گردد. (شریعتی، ۱۳۷۰، صص

اراده انسانی، نظم، آزادی طلبی، ایمان به خویش و...

در حالی که دسته بندی، کشف و ارزیابی روابط علت و معلولی میان متغیر فرهنگی به روش مناسب تری نیاز دارد که از یک متن با رویکرد جامعه شناختی می توان انتظار داشت. گرچه طبقه بندی مدونی در آثار شریعتی از اصول ثابت توسعه وجود ندارد اما با طبقه بندی مفاهیم مطرح شده از وی می توان به این اصول دست یافت:

۱ - ارزشهای فرهنگی و ملی که مباحثی چون ایدئولوژی، سنت و موضوعاتی چون هجرت، ... در آن قابل طرح است ۲ - تجربه انسانی و علم ۳ - پایه های فکری و عملی مملکت داری و اداره جامعه یا به تعبیر دیگری عوامل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی که تعامل میان آنها توسعه را امکان پذیر می کند.

مذهب و توسعه فرهنگی

در این بخش رویکرد شریعتی به مذهب در حوزه عمومی فرهنگ مورد بررسی قرار گرفته و ارتباط آن با توسعه فرهنگی به بحث گذاشته می شود. شریعتی از نگاه نویسنده جهت گیری ظاهراً متناقضی به مذهب دارد. وی مذهب را عامل توسعه تلقی می کند در حالی که با بررسی واقع گرایانه و تاریخی از عملکرد عوامل مذهب در تاریخ انسان به تحلیلی دست می یابد که در قالب نگرش منفی به مذهب می گنجد. نویسنده در توجیه این مسئله به استنادهای شریعتی از تجربه های تاریخی می پردازد، نظامهای دینی در قرون وسطی به انحرافات اجتماعی و انحطاط جوامع دامن زدند و حتی در برخی جوامع علت اللل این انحطاط تلقی می شوند. در نقدهای آگاهانه و تاریخی و گزنده شریعتی چند دسته از عوامل موجب انحطاط دین و سپس این دین توجیه گر انحراف و ناپسامانی اجتماعی معرفی شده است. این عوامل عبارت اند از ۱ - سوءاستفاده طبقه حاکم ۲ - تبدیل شدن مذهب از وسیله به هدف ۳ - آمیختگی با سنن ایستا ۴ - بیگانگی با زمان ۵ - اعتقاد به لایتغیر بودن ۶ - عوام زدگی و...

اما شریعتی در نگاه نهایی به مذهب، پویایی آن را امکان پذیر و ضروری می داند و در چارچوب همین ویژگی است که تأثیر آن در توسعه و توسعه فرهنگی را مورد ارزیابی قرار می دهد. شریعتی با بررسی تطبیقی نقش مذهب (پروتستانسیسم) در توسعه غرب چارچوبهای اصلی نقش مذهب در توسعه را به عنوان تجربه جامعه شناختی مورد شناسایی قرار داده و به تکرار آن در دیگر جوامع به عنوان یک اصل کلی می نگرد.

بازگشت به خویش، جامعه آرمانی و روشنفکر!

نویسنده در تبیین مفاهیم کلیدی شریعتی در توضیح الگوهای نظری توسعه و نقش عناصر فرهنگی جامعه به بررسی سه موضوع مهم می پردازد. اول جامعه آرمانی به عنوان افق و دستاورد نهایی یک ایدئولوژی، دوم نقش روشنفکر به عنوان یک کاتالیزور و سوم بازگشت به خویش به عنوان یک امر ضروری و الزامی.

توسعه در هر جامعه ای، با انتقال از دوره ای به دوره دیگر، با مسائل و موقعیتهایی رو به روست. شریعتی معتقد است که در این دوره انتقال عوامل انحطاط یا پیشرفت رشد و نمو می کنند. در دوره انتقال پیوندها در همه عرصه ها، اعم از شکل و محتوای زندگی فرهنگی و اجتماعی سست می شود و انسان با مشکل هویت رو به رو می گردد. برای ترمیم ناپسامانیهای ناشی از این گسست بهترین روش بازگشت آگاهانه به خویش است. بازگشت به خویش روندی است که با شناخت از ویژگیهای فرهنگی - قومی و شخصیتی افراد جامعه آغاز و به پالایش، سامان یافتگی و ایجاد هویتی مبتنی بر ویژگیهای قومی - مذهبی و اجتماعی می انجامد،

ویژگیهایی که شاخص آن، پویایی و احساس خود بودن در تمامی عرصه هاست. شریعتی در این روند به اهمیت و نقش روشنفکران توجه جدی می کند و آنان را رهبران فکری برای هدایت این روند می داند.

از نگاه شریعتی روشنفکر کسی است که افکار روشن دارد، تحصیل کرده است. نواندیش، متعهد و مسئولیت پذیر است. روشنفکر با شناخت علمی و حسی جامعه و تاریخ می تواند جامعه را به عنوان یک واقعیت با ابزارهای علمی بشناسد و با کشف قوانین تاریخ و جامعه به طرح و تدوین ایدئولوژی بپردازد تا تکیه گاهی برای عمل انسان و اجرای خواسته ها و شعارهای مطلوب جامعه بیابد. با مجهز شدن به این ویژگیهاست که روشنفکر پا به مرحله عمل می گذارد.

جامعه آرمانی اصلی ترین دغدغه و عصاره حیات و میراث فرهنگی و علمی شریعتی است که آخرین فصل کتاب را به خود اختصاص داده است. در حالی که می توانست مدخل ورودی بحث در این کتاب باشد. شریعتی در این بحث به بررسی اتوپیا در مذاهب مختلف و مکاتب گوناگون به استناد نظرگاههای فیلسوفان و جامعه شناسان بزرگ می پردازد و در نهایت به ارائه الگویی از اسلام به عنوان دینی پویا توجه می کند، موضوعی که نویسنده فرصت نیافته است با بررسی تطبیقی، ویژگی عام این نظرگاه مهم را به درستی تبیین کند.

شریعتی به دلایل گوناگون مکاتب مختلف الهی و بشری را در تأسیس جامعه آرمانی و واقع گرا ناتوان می داند که دلایل عمومی این ناتوانی، عواملی مانند نوسان میان دنیاگرایی و آخرت گرایی، تک بعدی بودن و... است.

شریعتی سعی می کند با گزینش مفاهیم اصیل اسلام، جامعه آرمانی اسلامی را با ویژگیهای ملموس و قابل اعتنا ارائه دهد. مفاهیمی همچون امت، امامت، ایدئولوژی، عرفان و انسان کامل که هر کدام از این مفاهیم خود نیازمند کتابی مجزاست.

سخن آخر:

کتاب حاضر در تلاش برای بررسی میراث علمی شریعتی توفیق نسبی داشته است. در این اثر به رغم تلاش موفق در طرح و جمع آوری مفاهیم مرتبط با توسعه و جامعه شناسی در آثار شریعتی، از توجه به عناصر مهمی چون توسعه سیاسی و مفاهیم مرتبط با آن غفلت شده است. این نقص را می توان ناشی از روش بررسی این مقوله و محدودیتی دانست که نویسنده سعی کرده است با پای بندی به آن از حوزه عمومی فرهنگ و مفاهیم مرتبط با آن فراتر نرود.

منابع:

- روزه، گی، (۱۳۶۷)، کنش اجتماعی، هما زنجانی زاده، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد.
- شریعتی، علی، (۱۳۵۶)، با مخاطب های آشنا، انتشارات حسینیه ارشاد.
- شریعتی، علی، (۱۳۶۱)، مجموعه آثار دکتر شریعتی (جلد نوزدهم)، انتشارات قلم.
- شریعتی، علی، (۱۳۵۹)، مجموعه آثار دکتر شریعتی (جلد یازدهم)، دفتر تدوین و تنظیم مجموعه آثار معلم شهید شریعتی.
- شریعتی، علی، (۱۳۷۰)، مجموعه آثار دکتر شریعتی (جلد سی و یکم)، نشر چاپخش.
- Cleland, David and King, William (1975), Systems Analysis and Project Management, New York: Macograw, hill